

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اکبر تک دهقان

۳۰ شهریور ۱۳۸۸-۲۱ سپتامبر ۲۰۰۹

یک پیروزی چشمگیر دیگر! -۲

تظاهرات روز جمعه ۲۷ شهریور- ۱۸ سپتامبر در تهران و شهرهای دیگر، بر یک حقیقت امروزه دیگر انکارناپذیر، مهر تأکید کوبید: آنچه که در مقابل چشمان ما جریان دارد یک انقلاب است، و توده های حامل آن، نه فقط در پی حک و اصلاح این رژیم جانی نیستند، بلکه از ضرورت قیام مسلحانه برای نجات جامعه حتی، بخوبی آگاه بوده، آن را با صدای بلند و لحنی کوبنده، در مقابل چشمان عناصر سرکوب این ماشین آدمکشی، فریاد میزنند. همه آنهایی که در خارج از کشور، هنوز به عناوین گوناگون از به رسمیت شناسی پیدایش یک جنبش انقلابی در کشور خودداری کرده، برای تنزل آن به سطح یک جنبش صنفی و "مطالباتی" میکوشند، باید از قدرت نمایی عظیم این توده مصمم، به خود آمده باشند. رژیمی که شیوه سلطه گری آن، بر جنایت و ترور جسمی و روحی لحظه به لحظه مردم، متکی است؛ و از دختر و پسر شهروند این کشور در کوچه و خیابان و پارک، کارت شناسائی طلب میکند؛ جز از طریق یک انقلاب، حاضر به هیچ سطحی از عقب نشینی، نخواهد بود. حتی کسب ساده ترین حقوق انسانی در شرایط سلطه این دستگاه ترور، نظیر راه رفتن بدون ترس، تحقیر و لگد خوردن در خیابان، به تنهایی در سطح یک انقلاب، مبارزه و بسیج نیرو می طلبد. بر این حقیقت تلخ و غیرقابل تصور، باید روشن و بدون احساس ضعف تأکید کرد که:

در جهان کنونی طی سی سال اخیر، هیچ مردمی به اندازه ایرانیان، تحت بی حقوقی، نابرابری، تحقیر روزمره و شرایط ضد انسانی محض، زندگی نکرده اند.

تظاهرات روز جمعه باز هم نشان داد، این مبارزات هنوز از یک رهبری تثبیت شده و صریح، برخوردار نیست؛ و چه خوب که برخوردار نیست! و هنوز فرصت برای شکل دادن به یک رهبری دموکراتیک و مردمی، از دست نرفته است. توده هایی که به خیابانها سرازیر میشوند، به طور کلی از چندین گروه بندی تشکیل شده اند. از تجمعات توده ای میتوان- اندکی با چشم پوشی -، به عنوان بیان نتیجه یک ائتلاف نانوشته نام برد. با این تفاوت که ائتلاف کنندگان، به حکم شرایط عینی و به اجبار، در کنار یکدیگر گرد آمده اند. رابطه اصلی همانا، رابطه مردم خواهان سرنگونی سریع رژیم، با جریان اصلاح طلبان حکومتی(موسوی، کروی، خاتمی) است. در میان این نیروی ائتلافی، جریان لیبرالهای راست و راست افراطی، به طرح شعارهای افراطی پرداخته، الزامات یک اقدام ائتلافی

اجتناب ناپذیر، را رعایت نمیکنند- رژیم اسلامی، خود یک رژیم فاشیستی است، و قرار نیست، از طریق طرح شعارهای راست افراطی، با آن مقابله شود! شعارهایی که در راهپیمایی های روز جمعه طرح شد، خطوط کلی مشترکات و تفاوت های نیروهای دخیل در این مبارزات را، تا حدودی ظاهر می سازند. از شعارهایی که به ویژه به جریان راست افراطی تعلق داشته، به نزدیکی صفوف تظاهرکنندگان لطمه میزند، میتوان از شعار زیر نام برد:

نسل ما آریا است، دین از سیاست جداست!

طراح چنین شعاری، نه فقط دست به تبلیغ نژاد پرستی زده، بلکه بخش بزرگی از جامعه را از حوزه مبارزه علنی، به بیرون پرتاب میکند. " نسل آریا " دیگر چه مقوله ای است، آقای دانش آموخته لیبرال و فیلسوف بی بی سی؟ راهپیمایی روز جمعه، برای طرح مطالبات سیاسی برگزار گشته بود، و نه به منظور ترکیب علم جانورشناسی با دانش حقوق سیاسی! لیبرال کم عقل و پرمدعای ایرانی، هنوز قادر به تشخیص تفاوت مقولات سیاسی و طبیعی نیست. اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران، با چنین هجویات ارتجاعی به شدت مخالف بوده، جامعه را نه از منظر زشت نژادپرستانه، بلکه از زاویه سیاسی، طبقاتی و ملی درک میکنند. طراحان چنین شعارهایی مجاز نیستند، عرصه مبارزات خیابانی را، به صحنه نشست غیر علنی جریان فکری خود تبدیل کنند. از این گذشته، طبق این شعار، گویا:

۱- مردمی که به " نسل آریا "ی لیبرال ایرانی تعلق ندارند، دین را در سیاست ادغام می کنند؛ اما مدافعین نژادپرستان بدوی " آریایی"، خواهان جدایی دین از سیاست هستند!؟ اکثریت قریب به اتفاق مردم معمولی کردستان و آذربایجان و خوزستان، ترکمن صحرا و غیره، چنین پاسخ هر چند نادقیقی را خواهند داد: به شهادت وقایع تاریخ معاصر ایران، اتفاقاً حقیقت درست عکس این است! و

۲- نتیجه منفی دیگر طرح شعارهای لیبرالی از این نوع، لطمه زدن به حمایت بین المللی از انقلاب ایران است. کدام فرد عاقل، فعال اتحادیه ای، هنرمند و تحصیل کرده اروپایی، از چنین شعاری استقبال خواهد کرد؟ آنها از طرح چنین شعارهایی در یک جنبش انقلابی- دموکراتیک وحشت کرده، به مبارزات مردم ایران، با شک و تردید نگاه خواهند کرد.

در طرح شعار فوق همچنین، نوعی " تقلب!" خواسته و یا ناخواسته هم وجود دارد، که نشان میدهد، طراحان آن، نسبتاً با دقت، شاهکار آفریده اند! این شعار، خواهان جدایی دین از دولت نیست؛ بلکه از جدایی دین از سیاست صحبت میکند، تا برای طبقات حاکمه، همواره نوعی استفاده از دین، در سلطه گری علیه مردم، محفوظ بماند. رژیم اسلامی، ترکیبی از دین و دولت، و تجسم تبدیل دستگاه عریض و طویل دولت بورژوازی، به دولتی تماماً دینی است. دین و مالکان آن را نمیتوان و نباید، از زندگی سیاسی جدا کرد. آنها، هم به عنوان شهروند، و هم به عنوان نهاد اجتماعی، دارای حقوق و منافع هستند که به سیاست، یعنی مناسبات قدرت و مالکیت ربط پیدا کرده، به دخالت در امور عمومی، ناگزیر میگردند. معضل مردم ایران اما این نیست. بلکه موضوع بر سر دخالت دین در امور دولتی و اداری کشور و نظیر یک بختک، افتادن به جان مردم است.

در این راهپیمایی بزرگ، شعارهای اصلی مردم، بسیار محدود، فشرده و رایج بودند. ظاهراً اکثریت معترضین با طرح چنین شعارهایی موافق بوده، با آن به مدت کافی همراهی نموده، بی موقع در پی قطع آنها نبودند. در مبارزات تاکنونی، شعار " مرگ بر دیکتاتور"، که معادل " مرگ بر شاه" در انقلاب بهمین است، بدون استثناء طرح شده، با این تفاوت که روز جمعه این شعار، بیش از گذشته، با حدت و شدت و بمدت طولانی تری، فریاد زده شد. باید به

هرترتیبی وزن این شعار را در راهپیمایی‌ها و دیوارنویسی‌ها، تقویت کرد. طرح وسیع این شعار، بتنهایی نوعی آموزش رفتار دموکراتیک در جامعه، در محیط کار و حتی محیط خانواده است.

نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران!

شعار دیگر و همگانی راهپیمایی روز جمعه، شعار بالا بود. این شعار از یک طرف، دارای مفهوم راست افراطی و تحقیر آمیز علیه مردم فلسطین و لبنان است، که خود طی بیش از ۶۳ سال، طعمه درنده خوبی‌های دولت اسرائیل و دول امپریالیستی، و در ۳۰ سال اخیر، بازیچه دست حکومت اسلامی بوده اند، از سوی دیگر اما، در محتوای خود یک شعار عمومی نیز هست؛ به این معنا که تظاهرکنندگان، خواهان جدایی از سیاست ارتجاعی بین‌المللی رژیم، و تمرکز و تأکید بر معضلات داخلی کشور هستند. طرح "جانم فدای ایران" اما، از موضع ناسیونالیسم ارتجاعی ناشی شده، تفاوتی با شعارهای ملی-اسلامی رژیم، در دوران جنگ ارتجاعی ۸ ساله ندارد. یک شعار دموکراتیک نباید این مفهوم را القاء کند، که گویا مردم معمولی فلسطین و لبنان، در بدبختیهای مردم ایران طی ۳۰ سال سلطه رژیم ترور، مقصر بوده اند. اکثریت قریب به اتفاق مقصرین این جنایات ضد بشری، هم در داخل و هم در خارج، در مقابل چشمان همگان قرار داشته، حتی به مردم- و با وقاحت، به نیروی چپ کشور و قربانیان - درس دموکراسی و حقوق بشر هم میدهند! همه جناحهای رژیم، با هدف تشدید سلطه‌گری علیه مردم ایران، و جلب "مستضعفان" ادعایی آن به مثابه نیروی پشتیبان از یکسو، بازسازی موقعیت ژاندارم منطقه، ایجاد شرایط جنگ و ترور و ناامنی، به منظور تحکیم موقعیت خود و رژیمهای ارتجاعی از سوی دیگر، دهها میلیارد دلار از ثروتهای مردم فقیر کشور را در اختیار دسته جات فاشیستی در فلسطین و لبنان، قرار داده اند. رژیم اسلامی در ارتکاب این تبهکاری بزرگ همچنین، گسترش و حفظ بازار فروش سلاح و کالای منطقه به نفع غرب را در نظر داشته، از این طریق، به سکوت و یا جلب اعتماد دولتها، شرکتهای و حتی مردم جوامع غربی، چشم دوخته بود. این انتظار حکومت اسلامی، البته که بی نتیجه نبود؛ کمترین نتیجه آن، سکوت آشکار و چندین دهه دولتها و جوامع غربی، در برابر همه رذالت‌های این داوردسته پلید، علیه مردم ایران بود.

ای رهبر کودتا، این آخرین پیام است؛ ارتش سبز ایران، آماده قیام است!

احمدی احمدی، این آخرین پیام است؛ ملت سبز ایران، آماده قیام است!

راهپیمایی روز جمعه همچنین، به شکل آشکار و مستندی، شدت‌گیری روحیه توسل به یک قیام مسلحانه در جامعه را بازتاب داد. در موارد متعددی، به ویژه در تهران، جمعیت انبوهی با صراحت، بلند، منظم و طولانی، شعارهای بالا را فریاد کرده، بر آمادگی خود به منظور توسل به یک قیام مسلحانه، صراحت بخشیدند. این حقیقت که توسل به قیام مسلحانه، به یک عنصر اساسی در خود- آگاهی شهروند ایرانی، فرا روئیده است، مفهوم سیاسی بسیار مهمی را بیان میکند؛ به ویژه اینکه از خیزش انقلابی مردم، تنها ۳ ماه گذشته است! این همچنین درحالی است، که هر آخذ و غیر آخذ اصلاح طلب، دسته جات خیانتکار توده‌ای- اکثریتی، لیبرالها، سلطنت طلبان و جمهوریخواهان، در هر اطلاعیه و مقاله‌ای، به مردم درس "مبارزه مدنی" داده، توسل به "خشونت" توسط مردم را نفرین کرده، و بهره‌گیری از مزایای تسلیم شدن به نظام برده داری حاکم را توصیه میکنند.

در کلیه تصاویر ویدئویی که تاکنون منتشر شده اند، جا افتادن برخی شعارهای اصلی و صراحت و نظم و انضباط در فریاد زدن، به مراتب از ماههای اخیر، بهتر شده است. مردم طی چندین تمرین و تظاهرات بزرگ، به تدریج از حالت مردمانی که هیجان زده، در حالت پراکندگی، فرار و هول و هراس شعار میدادند خارج شده، به تدریج، به

شیوه حرفه‌ئی، با فکر، صبور، محکم و یکدست شعار می‌دهند. مردم از تجربه مستقیم خود یاد گرفته، در این زمینه هم، از جانپان خیابانی ولی فقیه، جلوتر رفته اند.

محتوای شعارهای کنونی مبارزات خیابانی، هنوز برای بیان اهداف یک جنبش انقلابی-دموکراتیک ایده آل نیست. اما با نگاهی به نتایج ۳۰ سال بربرمنشی حکومت اسلامی در تحمیل بی حقوقی مطلق بر مردم، و غلبه جو یاس و ناامیدی و بی تفاوتی سیاسی در جامعه برای نزدیک به سه دهه، چنین پیشرفتی در مبارزه انقلابی و در مدتی کوتاه، بسیار ارزشمند و دور از انتظار است.

نیروهای متفاوت به هر دلیل دخیل در این جنبش توده‌ئی، هر یک شعارهای خود را مطرح کرده، در همان حال در عمل اما، بر شعارهای عمومی، تأکید بیشتری می‌گردد. شعاری‌های مذهبی، که آشکارا با اهداف این جنبش دموکراتیک مغایرت داشته، مهر و نشان صاحبان آنها (اصلاح طلبان) را بر پیشانی دارند، هنوز به بخشی از شعارهای این راهپیمایی‌ها تعلق دارند؛ اما وزنه شعارهای دموکراتیک، مداوماً سنگین تر می‌گردد. شرط بهبود کیفی تظاهرات کنونی، از یک طرف حضور متشکل کارگران و از سوی دیگر، به خیابان آمدن آخرین فرد کمونیست هر شهری به خیابان است. در ادامه تحولات بعدی در این راستا، به ویژه عدم پراکندن توده وسیع، به دلیل طرح شعارهای خاص به شیوه فرقه گرایانه، اهمیت بسیار دارد. برای نیروهای چپ و ترقیخواه، نمی‌توان نسخه ای را در این زمینه، آنهم از راه دور پیچید؛ فقط آگاهی بر واقعیات و تجربیات روزمره از انقلاب بهمن روشن می‌سازد، که چنین تحولی با ضرافتهای خاص خود همراه است، که فعال سیاسی چپ باید حتماً آن را در همین راهپیمایی‌ها فرا بگیرد. *پایان*